

قصه‌هایی

که علم را ترویج می‌کنند

گفت‌وگو با عطیه احمدزاده، معلم و مربی آموزش زیست‌شناسی

محمد حسین دیزجی | اعظم لاریجانی
گفت‌وگو | عکس



با هر قصه‌ای، مخاطب کودک خود را به فکر فرو می‌برد تا کنجکاوانه در جست‌وجوی دانایی بیشتر باشد. قصه‌هایش تنها برای سرگرمی نیستند بلکه یک موضوع علمی را به‌طور غیرمستقیم به شنونده آموزش می‌دهد تا بعد از شنیدن آن، به دنبال کتابی باشد که جواب سؤال‌هایش را از دل آن استخراج کند و یا از معلمان، مربیان و بزرگ‌ترهای خود بیشتر بپرسد. عطیه احمدزاده یک معلم و مربی است. مدرک کارشناسی زیست‌شناسی دارد و در این حوزه بسیار فعال است. بیش از دو دهه است که کودکان و نوجوانان را با علوم زیستی آشنا می‌کند و از طریق فعالیت‌های مختلف، از جمله قصه‌گویی، آنان را به کسب دانش برمی‌انگیزد. بیشتر از پنج سال است که برای بچه‌ها قصه‌های علمی می‌گوید. این قصه‌ها را به شکل فایل صوتی ضبط کرده و به واسطه شبکه‌های اجتماعی، تا امروز بیش از ۱۲۰ داستان صوتی علمی را در اختیار کودکان، نوجوانان، والدین و حتی معلمان قرار داده است. گفت‌وگو ما با این مربی توانای کانون پرورش فکری و معلم علوم و زیست‌شناسی را در ادامه می‌خوانید.

● **چطور شد که به فکر راه‌اندازی فضایی برای ارائه قصه‌های علمی در یک شبکه اجتماعی افتادید؟**
همیشه دوست داشتم که مباحث علمی را به‌طور غیرمستقیم

به بچه‌ها آموزش بدهم. حدود ۲۲ سال تجربه در کار آموزش زیست‌شناسی داشتم. آموزش مستقیم همیشه در مدرسه‌ها هست و بچه‌ها با آن سروکار دارند اما من علاوه بر آشنایی با علوم زیستی و فعالیت‌های آموزشی مرتبط با آن، سال‌ها معلم و مربی بوده‌ام و هنوز هم این فعالیت را دنبال می‌کنم. در کار من، قصه‌گویی فعالیتی مهم و اساسی به حساب می‌آید. بنابراین، همیشه دنبال این بوده‌ام که این دو را در کنار هم داشته باشم. داستان و قصه فراوان است و من همیشه برای بچه‌ها قصه می‌گویم. از طرف دیگر، کتاب‌های علمی به اندازه کافی موجودند اما نکته این است که چقدر قصه علمی داریم؛ چون بچه‌ها عاشق قصه هستند.

● چرا قصه‌ها و داستان‌های علمی مورد نظر تان را به صورت مکتوب ارائه نکردید و به سراغ کار به شکل شنیداری رفتید؟

وقتی شما کتاب می‌نویسید، مخاطب باید بتواند بخواند اما وقتی محتوا و مطلب را به صورت شنیداری و آن هم در قالب قصه ارائه می‌کنید، آن وقت کودکانی را هم که هنوز توان خواندن ندارند، تحت پوشش می‌گیرید. شنیدن برای بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها جالب و جذاب است. شما حین انجام دادن یک کار هم می‌توانید قصه گوش کنید.

● محتوای قصه‌های خودتان را چطور تهیه، اجرا و ارائه می‌کنید؟

من ابتدا منابع علمی مورد نظرم را، که اغلب به صورت کتاب‌اند، تهیه می‌کنم. سپس، کتاب و منابع مرتبط را مطالعه می‌کنم و به آن‌ها فرم داستانی می‌دهم. بعد از آماده‌سازی کار هم خودم آن را می‌خوانم و ضبط می‌کنم. در پایان هر قصه هم اطلاعات علمی مرتبط با موضوع را به شکل غیرمستقیم به مخاطب ارائه می‌کنم. کار باید سندی علمی داشته باشد. این طور نیست که هر مطلبی را که از هر جا به دستم می‌رسد، به شکل قصه برای بچه‌ها نقل کنم. کودک یا نوجوان مخاطب من، بعد از شنیدن قصه درباره آن فکر می‌کند. چه بسا در مدرسه با معلمش آن موضوع را در میان بگذارد و بخواهد درباره آن اطلاعات بیشتری داشته باشد. پس، محتوای ارائه شده باید مستند و دقیق باشد. هر قصه در پایان یک نتیجه علمی دارد. کار باید طوری ارائه شود که مخاطب از صفر تا صد موضوع را درک کند و ترغیب و تشویق شود که درباره آن بیشتر بداند و جست‌وجو کند.

● شما مخاطب خود را چطور تعریف می‌کنید؟ در ظاهر، بچه‌ها و دانش‌آموزان به قصه‌های من گوش می‌کنند

اما والدین و حتی معلمان هم مخاطب این کار هستند. این قصه‌ها نوعی از منابع آموزشی هستند که به صورت غیرمستقیم و به شکل شنیداری در اختیار آنان قرار می‌گیرند.

● قصه صوتی لایه ظاهری و آشکار این کار است که دانش‌آموزان و سایر علاقه‌مندان با آن ارتباط برقرار می‌کنند اما این کار لایه‌های دیگری هم درون خود دارد. به آن‌ها هم اشاره کنید.

موضوع جالب و قشنگی را مطرح کردید. دقیقاً همین طور است. یکی از لایه‌های غیرمستقیم این کار، بحث خداشناسی است. بچه‌ها با نکته‌هایی نظیر شگفتی‌های خلقت و آفرینش در این کار آشنا می‌شوند. شروع همه قصه‌ها با نام و یاد خداست اما هر بار این نام خدا به نوعی با قصه ارتباط دارد؛ مثلاً وقتی موضوع مربوط به پروانه‌هاست، من این طور آغاز می‌کنم: «به نام خدای آفریننده پروانه‌ها و شاپرک‌ها». در کنار این موضوع، مباحثی همچون نظم و ترتیب در آفرینش و زندگی را هم مطرح می‌کنم. در واقع، توجه بچه‌ها را به طور غیرمستقیم به این نکته‌ها جلب می‌کنم. مسیر آموزش همیشه مستقیم نیست. گاهی معلم با بردن بچه‌ها به آزمایشگاه این کار را انجام می‌دهد، گاهی کتاب معرفی می‌کند و گاهی هم قصه می‌گوید.

● این محتواها را چطور تهیه می‌کنید؟

من منابع مختلفی را باید تهیه و مطالعه کنم. قصه‌های من به علوم زیستی محدود نمی‌شوند. در حوزه‌های فیزیک و نجوم هم برای بچه‌ها قصه صوتی آماده می‌کنم. منابع در این زمینه کم است و من به خاطر علاقه‌ای که دارم، این کار را دنبال می‌کنم. همیشه به نمایشگاه‌های کتاب می‌روم و کتاب‌ها مورد نیازم را تهیه می‌کنم. تبدیل کردن کتاب علمی به قصه برای بچه‌ها، خیلی کار دارد و زمان می‌طلبد اما وقتی شوق بچه‌ها را می‌بینم، خودم هم مشتاق‌تر می‌شوم.

● از دستاوردهای این کار و نتایج خوبی که تاکنون گرفته‌اید برای ما بفرمایید.

تا آنجا که والدین و معلمان به من خبر داده‌اند علاقه بچه‌هایی که با این داستان‌ها ارتباط برقرار کرده‌اند به مطالعه، کتاب، تحقیق و پژوهش و یادگیری خیلی افزایش یافته است. با این کار من، والدین به منبع مناسبی برای کمک به یادگیری فرزندان خودشان دسترسی پیدا کرده‌اند. کار من فقط ارائه یک داستان صوتی نیست بلکه در کنار آن، کتاب‌ها و منابع مطالعاتی مرتبط به موضوع این داستان و قصه علمی را هم به آنان معرفی می‌کنم تا اگر به اطلاعات بیشتر نیاز داشتند

توانند از آن‌ها هم استفاده کنند. معلمان و همکاران آموزشی هم از این محتوا در کلاس‌های خودشان بهره می‌برند. برای مثال، معلمان هستند که قبل از تدریس یک موضوع درسی، ابتدا قصه صوتی آن را در کلاس برای بچه‌ها پخش می‌کنند و بچه‌ها را کنجکاو و علاقه‌مند می‌کنند و سپس به تدریس ادامه می‌دهند. خیلی‌ها با من تماس می‌گیرند و این قصه‌ها را برای تکمیل تدریس می‌خواهند.

● اگر معلم، پدر یا مادر یا دانش‌آموزی بخواهد قصه‌ای صوتی آماده کند، آیا امکان همکاری با شما را دارد؟

بله. من بارها این کار را تشویق کرده‌ام و آثار صوتی متعددی هم به دستم رسیده است. آنچه در این ماجرا مهم است و من بر آن تأکید دارم، صحت و علمی بودن کار است؛ یعنی باید منابعی را که از آن استفاده کرده‌اند برای من مشخص کنند. من بررسی می‌کنم و بعد از بررسی صحت علمی محتوا، آن را از زوایای دیگر مثل کیفیت صدای ضبط شده، زمان فایل صوتی و موارد دیگر بررسی می‌کنم و اگر کار به نظر خوب و مفید باشد، آن را به نام همان فرد در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنم. ارتباط من با مخاطب یک سویه نیست. بارها اتفاق افتاده که والدین یا معلمان بعد از شنیدن یک قصه تماس گرفته و اطلاعات تکمیلی در اختیارم گذاشته‌اند؛ طوری که من ترغیب شده‌ام قصه دیگری را آماده و ارائه کنم.

● به نظر شما، این نوع آموزش چه تأثیری می‌تواند بر یاددهی - یادگیری داشته باشد؟

از نگاه من، آموزش غیرمستقیم خلاقانه‌ترین نوع آموزش و مکمل آموزش‌های معلمان و همکاران آموزشی من در مدارس

است. اینجا از نمره و قوانین کلاس درس خبری نیست و ارزشیابی به شکل معمول مدرسه و کلاس وجود ندارد. محدودیت زمان نیز در آموزش دخیل نیست؛ برای مثال، مخاطب شما می‌تواند ساعت ۸ شب هم قصه را گوش کند و نکته‌های لازم را فرا بگیرد. در عین حال، اگر محتوا را درست متوجه نشود، این امکان هست که چندین و چندبار قصه را بشنود، درباره آن فکر کند و از دیگران بپرسد تا بهتر یاد بگیرد. به علاوه، دایره مخاطبان این نوع آموزش، محدود به کلاس درس شما نیست. در هر نقطه از کشور و حتی خارج از کشور هم اگر کسی بخواهد، امکان استفاده از این محتوا را دارد. به همین دلیل هم هست که والدین و به‌ویژه معلمان به خوبی می‌توانند از این قصه‌ها در آموزش‌های خود استفاده کنند.

● شما در فضای آموزشی خودتان هم از این قصه‌ها بهره می‌برید. از تجربه‌هایتان در این باره بفرمایید.

شاگردان من با شوق و کنجکاوای فراوان قصه‌ها و مطالب درسی و آموزشی را پیگیری می‌کنند. بارها با سؤالات متنوع و متعدد آن‌ها روبه‌رو شده‌ام. اگر پاسخ سؤالی را ندانم، به دانش‌آموزان می‌گویم که در این باره تحقیق می‌کنم و مثلاً جلسه بعد به شما جواب می‌دهم. حتی آنان را تشویق می‌کنم که اگر دوست دارند، خودشان هم تحقیق کنند و کتاب بخوانند و نتیجه را در جلسه بعد به کلاس بیاورند. من برای تحقیق بیشتر، شاگردانم را به مطالعه کتاب ترغیب می‌کنم تا اینکه از آنان بخواهم در اینترنت جست‌وجو کنند. اینترنت را نفی نمی‌کنم اما اولویت تحقیق برای من کتاب و کتابخانه است و بنابراین شاگردانم را هم به همین روش تعلیم می‌دهم.

● و کلام آخر ...

وقتی پدر یا مادری و یا یک معلم و همکار آموزشی از نقطه‌ای از کشور با من تماس می‌گیرد و خبر می‌دهد که فرزند یا شاگردش به واسطه همین آموزش غیرمستقیم از طریق دنبال کردن قصه‌های علمی، به کتاب و مطالعه و پژوهش علاقه‌مند شده است، احساس موفقیت می‌کنم. وقتی جوانی که به دانشگاه راه پیدا کرده است، تماس می‌گیرد و می‌گوید که من هر چه از علوم زیستی می‌دانم و امروز از آن استفاده می‌کنم به خاطر نوع آموزش شماست. خدا را هزاران بار شکر می‌کنم و سپاسگزارم که مرا وسیله قرار داده است تا بنده‌ای از بندگان به موفقیت برسد و نگاهی به هستی و آفرینش گسترش پیدا کند. یک قصه علمی که مخاطب را به خداشناسی و تدبیر در امر آفرینش برساند، به هدف خود نائل شده است.

